

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال دهم شماره ۳۷ بهار ۱۳۹۴

مقایسه نظریه ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان و کودکان با افراد عادی مطالعه‌ای براساس نظریه عام و خاص ذهن وارد و کنین

زینب خانجانی^۱

عبدالله فیروزیان^۲

منیژه حاتملوی سعدآبادی^۳

عباس بخشی‌پور^۴

چکیده

تحقیقات پیشین در زمینه سوءاستفاده‌گری جنسی نشان داده است عواملی از قبیل نقص در ارتباط صمیمی با دیگران، مشکل در همدلی با قربانی و تحریف‌های شناختی همگی در ایجاد و تداوم سوءاستفاده‌گری جنسی نقش به‌سزایی دارند. هدف از تحقیق حاضر، بررسی نظریه نقص عام و خاص ذهن در سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان و کودکان بود. برای این منظور، ۶۰ نفر سوءاستفاده‌کنندگان جنسی زندانی (۳۰ سوءاستفاده‌کننده جنسی از زن و ۳۰ سوءاستفاده‌کنندگان از جنسی از کودک) همراه با گروه کنترل (۶۰ نفر عادی) در این تحقیق شرکت کردند. از آزمون چشم‌ها برای ارزیابی نقص عام نظریه ذهن و از پرسشنامه تحریفات سوءاستفاده‌کنندگان جنسی جهت بررسی نظریه خاص ذهن استفاده شد. نتایج نشان داد سوءاستفاده‌کنندگان نسبت به گروه عادی در نظریه خاص و عام ذهن نقص بیشتری داشتند، که از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار بود. بین دو گروه سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان و سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان از لحاظ نظریه عام ذهن تفاوت معنی‌دار به دست نیامد. ولی در نقص در نظریه خاص ذهن تفاوت معنی‌داری به‌دست آمد که حاکی از نقص بیشتر در نظریه خاص ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان بود. مبتنی بر یافته‌ها می‌توان بیان داشت که مشکلات سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در حوزه‌های صمیمیت، همدلی و تحریف‌های شناختی از نقص در نظریه ذهن ناشی می‌گردد.

واژگان کلیدی: نظریه ذهن؛ سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان و کودکان؛ نظریه خاص و عام ذهن

۱- استاد گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

۲- دانشجوی دکتری روانشناسی

۳- کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

۴- استاد گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

مقدمه

تحقیقات اخیر در زمینه سوءاستفاده‌کنندگان جنسی^۱ نشان می‌دهد عواملی چون تحریف‌های شناختی، نقص در مهارت‌های ارتباطی، نقص در صمیمیت، وجود مشکل در همدلی با قربانی، عزت‌نفس پایین همگی در ایجاد و حفظ سوءاستفاده جنسی دخالت دارند. وارد، کنین و هادسون^۲ (۱۹۹۹) معتقدند مشکلات سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از نقص در نظریه ذهن^۳ آنها است. اخیراً برخی مطالعات به بررسی سازه‌های شناخت اجتماعی نظیر ادراک شخص^۴، مهارت‌های پذیرش نقش^۵ و نظریه ذهن پرداخته‌اند (گرادی^۶ و کیتلی^۷، ۲۰۰۰). سازه اخیر یعنی نظریه ذهن یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات مطرح در روانشناسی رشد است (تیلور^۸ و کیندرمن^۹، ۲۰۰۲). ریشه‌های تحولی نظریه ذهن را باید در مفهوم دیدگاه‌گیری^{۱۰} جستجو کرد که برای اولین بار توسط پیاژه^{۱۱} مطرح شد و بعدها توسط فلاول^{۱۲} شرح و بسط یافت (محسنی، ۱۳۸۳). از اصطلاحات دیگری مانند ذهنی‌سازی^{۱۳} (ساندکوئیست^{۱۴} و رونبرگ^{۱۵}، ۲۰۱۰) ذهن‌خوانی^{۱۶} (وجللی و همکاران، ۲۰۰۱)، روانشناسی عامه^{۱۷} (گلان^{۱۸} و بارون - کوهن^{۱۹}، ۲۰۰۶) و درک اجتماعی^{۲۰} (فرنی هوگ^{۲۱}، ۲۰۰۸) به‌جای اصطلاح نظریه ذهن استفاده شده است. نظریه ذهن به توانایی اسناد وضعیت‌های روانی به‌خود و دیگران در تلاش برای فهم و توضیح رفتار دلالت می‌کند. وضعیت‌های روانی دامنه‌ای از تمایلات، نیات، باورها، هیجانات و ادراکات را دربرمی‌گیرند (دوهرتی^{۲۲}، ۲۰۰۹). فریتز^{۲۳} (نقل از موریگوچی^{۲۴} و همکاران، ۲۰۰۶) نظریه ذهن‌خوانی را مهارت شناختی تعریف می‌کند که افراد به‌وسیله آن می‌توانند بین باورها، خواسته‌ها و

1- Sex offender

3- Theory of mind

5- role-taking

7- Keightley

9- Kinderman

11- Piaget

13- mentalizing

15- Ronenberg

17- folk psychology

19- Baron-Cohen

21- Fernyhough

23- Frigh

2- Ward, Keenan & Hadson

4- person perception

6- Grady

8- Taylor

10- perspective taking

12- Flavell

14- Sandqvist

16- mind reading

18- Golan

20- social understanding

22- Doherty

24- Moriguchi

نیات خود و دیگران تمایز قائل شوند. توانایی تشخیص و شناسایی هیجان‌ها و افکار دیگران را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها در مجموعه مهارت‌های موسوم به هوش هیجانی در نظر گرفت (گوپینگ و ملتزوف^۱، ۱۹۹۷ به نقل از ریلو^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). برخی معتقدند که توانایی درک افکار و احساس‌های دیگران براساس استنباط حالات ذهنی است (دالگرین^۳، سندبرگ^۴ و لارسون^۵، ۲۰۱۰). حالات ذهنی نگرش‌های گزاره‌ای هستند که شامل امیال، هیجان‌ها و باورها می‌شود. اعتقاد براین است که داشتن نظریه ذهن ما را قادر به پیش‌بینی و تبیین رفتار دیگران می‌سازد (بودن^۶، دودل^۷ و کالبل^۸، ۲۰۱۰).

در نظر گرفتن دو مؤلفه شناختی و هیجانی نظریه ذهن با اهمیت است (راسل^۹، اشمیت^{۱۰}، دوهرتی، یانگ^{۱۱} و چانتوریا^{۱۲}، ۲۰۰۹). مؤلفه شناختی به معنی توانایی استنباط باورهای دیگران و مؤلفه هیجانی با همدلی شباهت کامل دارد (شمای - تسوری، ۲۰۰۵؛ نقل از شمای - تسوری، هاراری^{۱۳}، آهارون - پرتز و لوکویتز^{۱۴}، ۲۰۰۹). جولیف و فارینگتون^{۱۵} (۲۰۰۳) همدلی را به‌عنوان توانایی ادراک و سیهمی شدن در وضعیت روانی دیگران تعریف کرده‌اند.

پترز^{۱۶}، ۱۹۹۴ (نقل از وارکر، ویولی، وارد و بیچ^{۱۷}، ۲۰۰۸) نیز همدلی را به‌عنوان توانایی تشخیص و شناسایی دیدگاه افراد و نیز واکنش‌های عاطفی خود و برخورداری از انگیزه کافی در واکنش ملاطفت‌آمیز با دیگران مفهوم‌سازی می‌کند. براین اساس بروز فقط در دریافت تمایلات و نیات دیگران منجر به نقایص همدلی^{۱۸} و ظهور نقص در دریافت باورهای دیگران منتهی به تحریف‌های شناختی می‌گردد (ملتزوف، ۱۹۹۹).

1- Goping & Meltzoff

3- Dahlgren

5- Larsson

7- Dodel

9- Russell

11- Young

13- Shamay-Tsoory, Harari

15- Jolliffe, Farrington

17- Varker, Devily, Ward & Beech

2- Realo

4- Sandberg

6- Bodden

8- Kalble

10- Schmidt

12- Tchanturia

14- Aharon-Peretz, Levkowitz

16- Pithers

18- Empathy

تردیدی وجود ندارد که فعالیت‌های شناختی گوناگون، باورهای ناسازگار و تفکرات تحریف شده در روند سوءاستفاده‌کنندگان جنسی پرداخته‌اند (آبل^۱ و همکاران، ۱۹۸۴؛ استرومک^۲، ۱۹۹۰؛ نقل از وارد، گانون^۳، کتون^۴، ۲۰۰۵). آشکار شده است که این افراد نگرش‌های سنتی محافظه‌کارانه‌ای به زنان و کودکان دارند. آنان مردان را دارای استحقاق جنسی می‌دانند. آبل و همکاران، (۱۹۸۴)، (نقل از وارد و همکاران، ۲۰۰۵) به‌طور ویژه مطرح کرده‌اند که سوءاستفاده‌کنندگان جنسی دارای باورهایی هستند که تماس جنسی آنان را توجیه کرده و باعث تداوم سوءاستفاده‌گری می‌گردند. در ارتباط با پردازش شناختی پژوهش‌ها از این نکته اساسی حمایت می‌کنند که سوءاستفاده‌گران جنسی اطلاعات مشابه دریافتی از محیط را به‌نحو متفاوتی و کاملاً همسو با عقاید و مفروضه‌های اساسی خودشان تفسیر می‌کنند.

ولمن (نقل از وارد و همکاران، ۱۹۹۹) با تمایز وجود دو نقص در سطح آسیب‌های عام و خاص و با سیر مراحل رشدی نظریه ذهن در افراد مطرح کرده است که نظریه ذهن در سیر تحول خود از مرحله نظریه ذهن کیپی‌بردارنده یا غیربازنمایاننده^۵ عبور کرده است و به مرحله نظریه ذهن بازنمایی‌کننده^۶ می‌رسد. در مرحله اول هنوز باور شکل نگرفته و نظریه فرد استوار بر تمایل است یعنی عامل زیربنایی رفتار افراد، تمایل خاص آنها به رویدادها و کنش‌هاست. اما با ورود به مرحله جدید نظریه ذهن فرد استوار بر باور - تمایل^۷ شده و درمی‌یابد که ذهن موقعیت‌ها را تفسیر کرده و افراد یکسان را به‌گونه‌ای متفاوت از هم بازنمایی می‌کنند. به‌عبارت دیگر افراد پی به این نکته می‌برند که آنها و سایر افراد بر طبق باورهایشان عمل می‌کنند هرچند باورشان کاذب بوده و منطبق بر واقعیت نباشد. بنابراین با ورود به سطح تحول جدید در نظریه ذهن، افراد نسبت به بازنمایی‌های ذهنی خود آگاه شده و می‌توانند تجسمات ذهنی خود را اظهار نمایند و در عمل بدان رفتار کنند (کارپندال و چاندرلر^۸، نقل از وارد و همکاران، ۱۹۹۹).

1- Abel

3- Gannon

5- Nonrepresentational or copy of TOM

7- Belief-desire

2- Stermac

4- Keown

6- Representational theory of mind

8- Carpendal, Chandeler

وارد (۲۰۰۰) از اصطلاح نقص در چهارچوب نظریه ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در توانایی درک وضعیت روانی دیگران استفاده کرد. وی اظهار داشت که ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی قادر به تجسم یا بازنمایی وضعیت روانشناختی دیگران نیستند که این ناتوانی منجر به عدم درک تصورات، تمایلات، باورهای دیگران شده و باعث وقوع سوءاستفاده جنسی می‌شود چرا که این افراد قادر به فهم میان آنچه آنها بدان تمایل دارند با آنچه قربانی بدان گرایش دارند، نیستند.

وارد و همکاران (۲۰۰۵) اظهار داشتند که نقص در نظریه عام ذهن^۱ سوءاستفاده‌کنندگان جنسی (مشکل در دیدگاه‌گیری و همدلی) تنها شیوه‌ای نیست که نقص در توانایی ادراک وضعیت روانی دیگران از طریق آن ظهور و بروز یابد، بلکه امکان شکل‌گیری نقص در نظریه خاص ذهن^۲ (تحریف‌های شناختی) وجود دارد که خود را به شکل نظریه‌های ضمنی^۳ آشکار می‌سازند. دیون^۴، پولاسچک^۵ و وارد (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند که سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در دریافت وضعیت روانی و رفتاری فعلی قربانی و در پیش‌بینی وضعیت روانی و رفتاری او در آینده از این تحریفات شناختی (نظریه‌های ضمنی) استفاده می‌کنند.

نظریه خاص (نظریه‌های ضمنی) سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان عبارتند از:
 ۱- کودکان در تجربه جنسی با بزرگ‌ترها آسیب نمی‌بینند، ۲- کودکان موضوعات جنسی‌اند، ۳- جهان خطرناک و تهدیدکننده است و تنها کودکان منبع مطمئن دوستی و ایمنی‌اند، ۴- افراد نمی‌توانند بر تمایل جنسی خود کنترل درونی داشته باشند، ۵- باورها و تمایلات کودکان مهم نیست و آنها هر کاری که خواستند می‌توانند با کودکان انجام دهند (مک موران و مک‌گوری^۶، ۲۰۰۵).

نظریه خاص (نظریه‌های ضمنی) سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان^۷ عبارتند از: ۱- باورها

1- Generic theory deficit

3- Implicit theory

5- Polascheck

7- Rapist

2- specific theory deficit

4- Devon

6- Mc Murran and Mc Gurire

و تمایلات زنان مبهم و ناشناخته هستند. ۲- زنان اساساً موضوعات جنسی‌اند. ۳- تمایلات جنسی مردان قابل کنترل نیست. ۴- مردان حق تنبیه، تسلط و تجاوز به زنان را دارند. ۵- جهان خطرناک است (منبع قبلی).

تحقیقات نشان می‌دهد سوءاستفاده‌کنندگان جنسی نسبت به افراد عالی توانایی کمتری در زمینه بازشناختی تظاهرات چهره‌ای هیجان‌ها و دیدگاه‌گیری (نظریه عام ذهن) دارند و در تشخیص افتراقی هیجان‌ها بیشتر دچار اشتباه می‌شوند. آنان توانایی ایجاد تمایز بین هیجان‌ها ترس با تعجب و خشم با تنفر را ندارند. نتیجه اشتباه در تشخیص افتراقی هیجان‌ها موجب شکل‌گیری این فرضیه شده است که سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در بازخوانی ناراحتی در چشم دیگران مشکل دارند (هادسون، لیزاک، ایوان^۱، ۱۹۹۵؛ نقل از گری، میلیکوویچ، برتوز، ساوسیگ‌نن^۲، ۲۰۰۷). اما در عین حال باید اذعان کرد که تحقیقات تجربی سه دهه اخیر در زمینه نقایص همدلی و دیدگاه‌گیری (نقص نظریه عام) به نتایج همگرایی نرسیده‌اند (کاول و اکسالورا^۳، ۲۰۰۲، نقل از گری و همکاران، ۲۰۰۷) و از سوی دیگر در برخی مطالعات، تفاوت معناداری بین سه گروه مذکور در زمینه نظریه عام ذهن (دیدگاه‌گیری و همدلی) مشاهده نشده است (هوپ، سیگلر^۴، ۱۹۷۶، نقل از منبع قبلی).

در زمینه نقص نظریه خاص ذهن (نظریه‌های ضمنی) سوءاستفاده‌کنندگان جنسی نیز نتایج متناقضی به دست آمده است. علی‌رغم این که دیدگاه‌های نظری و تجارت بالینی نشان می‌دهد که بین تحریف‌های شناختی (نظریه‌های ضمنی) و وقوع سوءاستفاده جنسی رابطه علی حکمفرماست، همه شواهد تری نتوانسته‌اند الزامات نظری موجود در این حیطه را تأمین کنند و گاه در تفکیک تجربی سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از سایر گروه‌ها با مشکل روبه‌رو شده‌اند (اورهولسر^۵، بک^۶، ۱۹۸۶؛ اسکولی^۷، ۱۹۹۰؛ نقل از دیون و همکاران، ۲۰۰۲). به نظر می‌رسد مطالعات تجربی در هر دو زمینه هنوز ناکافی بوده و

1- Husdon, Lisal & Ivan
3- Covell & Scalora
5- Overholser
7- Scully

2- Gery, Milijkovitich, Berthoz & Soussignan
4- Hooppe & Singler
6- Beck

تا ارائه تصویری واضح از نقص نظریه ذهن (عام و خاص) در سوءاستفاده‌کنندگان جنسی راه طولانی فراروی پژوهشگران وجود دارد. یکی از دلایل تناقضات تحقیقات تجربی این است که بیشتر تحقیقات بر روی نمونه سالم (بدون هیچ نوع سابقه سوءاستفاده جنسی) به جای نمونه بالینی انجام گرفته است. در این نوع تحقیقات از آزمودنی خواسته می‌شد با فرض فقدان تنبیه و مجازات به سوالات پاسخ دهند (استرمک^۱، سگال^۲، گیلز^۳، ۱۹۹۰؛ نقل از دیون و همکاران، ۲۰۰۲). به نظر می‌رسد این امر بر پیچیدگی مسئله افزوده و مشکلاتی را در تعمیم‌پذیری نتایج به همراه خواهد داشت. لذا انجام پژوهش‌هایی که عاری از چنین انتقاداتی باشد و بر روی نمونه بالینی اجرا گردد کاملاً احساس می‌شود. بنابراین باتوجه به تناقضات آشکار در بین یافته‌های تجربی و همچنین به لحاظ خلأ علمی در این زمینه چه در سطح ایران چه در سطح جهان، ضرورت پژوهش‌های متعدد و دقیق‌تر در این حیطه کاملاً احساس می‌شود و بدیع بودن این تحقیق به خوبی اهمیت آن را توجیه می‌کند. باتوجه به مطالب فوق این پژوهش با هدف بررسی نقص نظریه عام و خاص ذهن در سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان و کودکان صورت گرفت.

روش

جامعه و نمونه آماری

این مطالعه از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه سوءاستفاده‌کنندگان جنسی زندانی رده سنی ۳۵-۲۰ ساله طی سال‌های ۸۹-۸۸ در شهرستان ارومیه و شهرستان تبریز بود. روش نمونه‌گیری، روش در دسترس بود که در آن تعداد ۶۰ نفر از میان زندانیان با جرم سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان (۳۰ نفر) و سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان (۳۰ نفر) انتخاب شدند. اما نمونه آماری گروه عادی تعداد ۶۰ نفر بودند که از بین افراد عادی جامعه که در طیف سنی ۳۵-۲۰ سال مرد بوده، به صورت تصادفی و با همتاسازی در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، تحصیلات) با نمونه‌های گروه سوءاستفاده‌کنندگان جنسی انتخاب شدند.

1- Stermack
3- Gilles

2- Segal

ابزارهای اندازه‌گیری

آزمون چشم^۱ برای ارزیابی نظریه عام ذهن: آزمون چشم‌ها، یک ابزار ارزیابی تظاهرات چهره‌ای است که برای سنجش این فرض که سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در بازخوانی علایم عاطفی ناتوان بوده و در ایجاد تمایز بین علایم خاصی مانند تنفر از خشم و ترس از تعجب مشکل دارند، ساخته شده است. این آزمون توسط بارون - کوهن^۲ و همکاران، ۱۹۹۷ (نقل از وانگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۷) ابداع شده و از ۳۶ عکس از تظاهرات چهره‌ای که تنها محدوده چشم‌ها را نشان می‌دهند، تشکیل یافته است. از آزمودنی خواسته می‌شود تا مناسب‌ترین کلمه را از بین چهار کلمه که بهتر می‌تواند توصیف‌کننده افکار و احساسات فرد صاحب عکس باشد، انتخاب کنند. به عبارت دیگر آزمودنی‌ها باید به چشم‌ها نگاه کرده، سپس به استنباط باورها و احساسات صاحب عکس بپردازند. اگر آزمودنی پاسخ صحیح را انتخاب کرد، نمره یک و در غیر این صورت نمره صفر برای او منظور می‌گردد. بنابراین حداکثر نمره‌ای که فرد می‌تواند در این آزمون کسب کند، ۳۶ خواهد بود و هر چه نمره فرد در این آزمون از ۳۶ به صفر میل پیدا کند، به همان میزان از نقص در نظریه عام ذهن برخوردار خواهد بود. همچنین محتوای این آزمون برای هر سه گروه یکسان بوده و بدون محدودیت زمانی اجرا می‌گردد. آزمون چشم‌ها از ویژگی‌های روان‌سنجی قابل قبولی برخوردار است به طوری که پایایی محاسبه شده آن در پژوهش بافنده (۱۳۹۰) بر روی نقص نظریه ذهن ۰/۷۲ بوده و روایی صوری آن نیز زیر نظر چند روان‌شناس صورت پذیرفته بالا گزارش شده است.

آزمون نظریه خاص ذهن^۴: این آزمون، یک آزمون محقق ساخته در زمینه سنجش نگرش‌های ناکارآمد و تحریف‌های شناختی سوءاستفاده‌کنندگان اقتباس گردیده که در پژوهش‌های وارد و کنین (۱۹۹۹) گزارش شده است. آیتم‌های پرسشنامه از مقالات متعدد وارد و کنین جمع‌آوری شده و بدین ترتیب دو پرسشنامه به نام پرسشنامه نظریه

1- Eye's Task
3- Wang

2- Baron-Cohen
4- Mind Specific Theory's Test

خاص ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان (متشکل از ۲۴ آیتم) و سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودک (متشکل از ۱۵ آیتم) تهیه شد. نحوه نمره‌گذاری این پرسشنامه بدین صورت است که آیت‌های پرسشنامه با مقیاس سه گزینه‌ای (بلی، خیر، تا حدودی) در اختیار آزمودنی قرار می‌گیرند. به آزمودنی توضیح داده می‌شود که در صورت توافق کامل با آیت مورد نظر گزینه بلی، در صورت مخالفت، گزینه خیر و در غیر این صورت گزینه تا حدودی) در اختیار آزمودنی قرار می‌گیرند. به آزمودنی توضیح داده می‌شود که در صورت توافق کامل با آیت مورد نظر گزینه بلی، در صورت مخالفت، گزینه خیر و در غیر این صورت گزینه تا حدودی را انتخاب کنند. برای گزینه بلی نمره ۱، گزینه تا حدودی ۰/۵ و گزینه خیر، نمره صفر منظور می‌گردد. لذا هر فردی که بیشترین نمره را در این پرسشنامه بیاورد، از بیشترین نقص در نظریه خاص ذهن برخوردار خواهد بود. پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون بازآزمون در یک نمونه بهنجار ($n=50$) طی فاصله (۱۵) روز مورد بررسی قرار گرفته و با روش آلفای کرونباخ (۰/۸۲) محاسبه شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش به منظور تحلیل داده‌ها از آزمون T مستقل و تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون پیگیری LSD استفاده شد.

جدول (۱) میانگین و انحراف معیار نظریه عام و خاص ذهن در سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان، سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان و افراد عادی

گروه	تعداد	نظریه عام ذهن (M±S)	نظریه خاص ذهن (M±S)
عادی	۶۰	۱۹/۸۰±۳/۵۳	۱۴/۷۵±۷/۸۴
سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زن	۳۰	۱۲/۸±۳/۶۷	۷/۹۶±۴/۸۳
سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودک	۳۰	۱۳/۳±۳/۹۴	۱/۴۰±۱/۲۷
سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در کل	۶۰	۱۳/۱۱±۳/۷۸	۴/۶۸±۴/۸۲

جدول (۲) تحلیل واریانس جهت مقایسه نظریه عام ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان، سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان و افراد عادی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری
بین گروه	۱۳۴۳/۷۵	۲	۶۷/۸۷	۴۹/۸۷۸	۰/۰۰۰
درون گروه	۱۵۷۶/۰۳	۱۱۷	۱۳/۴۷۰		
کل	۲۹۱۹/۷۹	۱۱۹			

تحلیل واریانس (ANOVA) تفاوت معنی‌داری را در مقایسه نظریه عام ذهن بین هر سه گروه افراد عادی، سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان نشان می‌دهد به طوری که مشاهده می‌شود مقدار $F=۴۹/۸۷$ و سطح معنی‌داری $P<۰/۰۰۵$ می‌باشد که حاکی از معنی‌داری در سطح اطمینان بالایی است (جدول ۲).

هم‌چنین جهت مقایسه میانگین نظریه عام ذهن در سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان و سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان و افراد عادی آزمون تعقیبی LSD انجام گرفت و نتایج بیانگر تفاوت معنی‌داری در نظریه عام ذهن افراد عادی با سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان بود به طوری که تفاوت میانگین این دو گروه $۶/۹$ بوده و سطح معنی‌داری آن کمتر از $۰/۰۱$ بود. هم‌چنین افراد عادی با سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان نیز تفاوت معنی‌داری نشان دادند. تفاوت میانگین این دو گروه $۶/۴$ بوده که سطح معنی‌داری آن کمتر از $۰/۰۱$ بود.

جدول (۳) آزمون تی جهت مقایسه نظریه عام و خاص ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی و افراد عادی

متغیر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین
نظریه عام ذهن	۱۰/۰۰۵	۱۱۸	۰/۰۰۰	۶/۶۸
نظریه خاص ذهن	۸/۴۶	۱۱۸	۰/۰۰۰	۱۰/۰۶

نتایج آزمون تی برای مقایسه میانگین نظریه عام ذهن در دو گروه عادی و سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در جدول ۳ نشان می‌دهد که این دو گروه با تفاوت میانگین

۶/۶۸ تفاوت معنی‌داری در نظریه عام با یکدیگر دارند ($t=10/000$ و $P<0/005$) یعنی سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در نظریه عام به‌طور معنی‌داری دچار نقص می‌باشند. هم‌چنین در نظریه خاص ذهن، تفاوت میانگین این دو گروه ۱۰/۰۶ بوده که بیانگر تفاوت معنی‌دار بین دو گروه مذکور بوده ($t=8/46$ و $P<0/005$) یعنی سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در نظریه خاص ذهن نیز به‌طور معنی‌داری دچار نقص می‌باشند.

جدول (۴) آزمون تی جهت مقایسه نظریه عام و خاص ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زن و سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودک

متغیر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین
نظریه عام ذهن	-۰/۵۰۸	۵۸	۰/۶۱۳	-۰/۵۰
نظریه خاص ذهن	۷/۱۸۸	۵۸	۰/۰۰۰	۶/۵۶

نتایج آزمون تی برای مقایسه میانگین عام ذهن در دو گروه سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زن و کودک نشان می‌دهد که این دو گروه با تفاوت میانگین ۰/۵ تفاوت معنی‌داری در نظریه عام با یکدیگر ندارند ($t=0/50$ و $P=0/61$). اما در نظریه خاص ذهن آزمون t نشان می‌دهد که این دو گروه با تفاوت میانگین ۶/۵۶ تفاوت معنی‌داری از یکدیگر دارند ($t=7/18$ و $P<0/005$). یعنی نقص در نظریه خاص ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودک به‌طور معنی‌داری بیشتر از نظریه خاص ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان می‌باشد (جدول ۴).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نظریه عام ذهن در سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان و کودکان با افراد عادی تفاوت دارد. نتایج آزمون پیگیری (LSD) نیز مؤید این یافته بود و نشان داد که نقص در نظریه عام ذهن افراد سوءاستفاده‌کننده جنسی بیشتر از افراد عادی است. در حالی که بین دو گروه سوءاستفاده‌کننده جنسی از زن و کودک در نظریه عام ذهن تفاوتی وجود نداشت. این یافته پژوهش حاضر با تحقیقات سیدمن (۱۹۹۹)، مابمی و مارشال (۱۹۹۴) (نقل از وارد و کین، ۱۹۹۹) همسو است.

طبق تعریف دقیق‌تری که وارد و کنین (۱۹۹۹) از نظریه عام ذهن مبنی بر توانایی دریافت باورها، احساس‌ها و خواسته‌های دیگران ارائه داده‌اند، باید گفت که اکثر سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان دچار نقایص ظریفی در نظریه عام ذهن هستند. به عبارت دیگر نقص در نظریه عام ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی حداقل در یکی از سه حوزه مزبور محرز می‌گردد. برخی از آنان قادر به تفسیر بازنمایانه از خواسته‌های قربانیان هستند ولی در تفسیر بازنمایانه باورهای قربانیان مشکل دارند. به عبارت دیگر از ظرفیت درک این که ممکن است افراد مختلف، باورهای متفاوتی راجع به موضوع واحدی داشته باشند، کاملاً تهی‌اند. مثلاً زنی که رفتار دوستانه‌ای از خود در برابر او نشان می‌دهد و آن را دوستانه تلقی می‌کند، سوءاستفاده‌کننده جنسی از زن، آن را به عنوان نشانه و علامتی از دعوت به رابطه جنسی ارزیابی می‌کند. حتی تا آنجا که ممکن است مقاومت و اکراه غیرکلامی و نیز گفتن کلامی او را به عنوان عشوه‌گری و عشق‌بازی پیش از رابطه جنسی تلقی کند (ترسا^۱، گانون، دیون، پولاسچک، ۲۰۰۶).

همچنین ممکن است برخی از سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زن ز نظریه عام ذهن سالمی برخوردار باشند اما تحت شرایط خاص (سوءمصرف الکل) یا در زمان بروز هیجانات منفی (خشم، طردشدگی) و نیز هیجان‌های مثبت (برانگیختگی جنسی) از دریافت وضعیت‌های روانی قربانی ناتوان باشند.

تبیین احتمالی برای نقص در نظریه عام ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان، فقدان مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی با بزرگسالان است. زیرا آشکار شده است که توانایی دریافت وضعیت روانی دیگران (نظریه ذهن) نقش مهمی در زندگی اجتماعی ما دارد: زیرا اولاً موجب تسهیل تعاملات اجتماعی می‌شود، ثانیاً افراد را قادر می‌سازد تا دیگران را برای رسیدن به اهداف خود درگیر و دست‌کاری^۲ کنند (پال، بروکزی^۳، ۲۰۰۷). بنابراین سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان، هنگام رابطه جنسی با کودکان از احساس آرامش و امنیت بیشتری در مقایسه با بزرگسالان برخوردارند. آنها فاقد مهارت‌های لازم

1- Theresa

3- Paal, Bereczkei

2- manipulate

برای برقراری روابط اجتماعی و رابطه جنسی مطلوب هستند و این باعث پدید آمدن احساس حقارت و میل به انزوایی در این افراد می‌شود. آنان در ارزیابی و دریافت احساسات و ناراحتی کودکان هنگام تماس جنسی از همدلی پایینی برخوردارند و کودکان را خواهان رابطه جنسی می‌دانند و از این رابطه لذت می‌برند. به‌طور کلی می‌توان گفت که سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودک، حداقل در یکی از سه حوزه بارو، احساس‌ها و خواسته‌ها دچار نقص هستند.

هم‌چنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نظریه خاص سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان و کودکان در مقایسه با افراد عادی نقص بیشتری دارد که از لحاظ آماری نیز معنی‌دار است. این یافته با تحقیقات برت^۱، ۱۹۸۳، پریور و استلور^۲، ۱۹۹۴؛ نقل از دیون و همکاران، ۲۰۰۲) همسو است. طبق نظر وارد و کنین استنباط افراد سوءاستفاده‌کننده از وضعیت‌های روانی و رفتاری قربانیان بر باورها و تحریف‌های شناختی (نظریه‌های ضمنی) مبتنی است. فرض بر این است که نظریه‌های ضمنی (کنترل‌ناپذیری، استحقاق، خطرناک بودن جهان و غیره) همانند طرح‌واره‌ها بر نحوه ادراک، انتخاب و تفسیر جهان تأثیر می‌گذارند. طبق این دیدگاه نظریه‌های ضمنی (نظریه‌های خاص) موجب می‌شود سوءاستفاده‌کنندگان جنسی محیط اجتماعی خود را به شیوه‌ای هماهنگ و همسو با سوءاستفاده‌گر تبیین و تفسیر کنند. این نظریه‌های خاص طی دوره کودکی وقتی که فرد درصدد تبیین و پیش‌بینی رویدادهای منفی نامعمول زندگی (مرگ والدین، سوءاستفاده‌گری جنسی، طردشدگی و غیره) برمی‌آیند، شکل می‌گیرند و زمانی که فرد به دوره بلوغ می‌رسد، آنها را در حوزه جنسی به‌کار می‌برد. برای مثال سوءاستفاده‌کنندگان جنسی به این دلیل که تجربه دوران اولیه زندگیشان توأم با تجارب سوءاستفاده‌گری بوده است ممکن است دارای این باور بزه‌ساز باشند که دیگران متخصصم و زورگو هستند. هم‌چنین سوءاستفاده‌کنندگان جنسی هنگام سوءاستفاده‌گری جنسی براساس شواهد ناکافی درباره قربانی خود نتیجه‌گیری می‌کنند مانند این که قربانی، خود از فعالیت جنسی با آنها لذت

1- Bert

2- Pryor & Stoller

می‌برد، در حالی که شواهد موجود برخلاف ادعای آنهاست (وارد و همکاران، ۲۰۰۵).

طبق نتایج به‌دست آمده در مقایسه نظریه عام ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زن با سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودک، تفاوتی مشاهده نشد. به‌عبارت دگر این دو گروه از میزان نقص یکسانی در نظریه عام ذهن برخوردار بودند. این یافته پژوهش حاضر با تحقیقات سیدمن (۱۹۹۹)، بامبی و مارشال (۱۹۹۴) (نقل از وارد و کنین، ۱۹۹۹) همسو است. در توحیه این مطلب می‌توان گفت که هر دو گروه به‌دلیل تحریفات شناختی از ذهنیت قربانی و عدم درک درست محتویات ذهنی او، به رفتارهای قربانی خود معنای جنسی می‌دهند. هرچند رفتار قربانی کاملاً مغایر با دریافت وضعیت‌های روانی سوءاستفاده‌کنندگان جنسی باشد. برای مثال سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زن، قادر به درک این که فرد قربانی خواسته، باور و میل متفاوتی با او در زمینه رابطه دارد، نبوده و حتی جواب منفی او را در برابر پیشنهاد جنسی نشانه‌ای از بازی جنسی تلقی می‌کند، و یا سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودک، رفتارهای ساده قربانی مانند تقاضای نوازش و بغل گرفتن را نشانه‌ای از میل به انجام رابطه جنسی درک می‌کند. حتی سوءاستفاده‌کنندگان جنسی برای احساس‌های تنهایی خود نیز معنای جنسی قائل شده و آن را نشانه‌ای از نیاز و میل به انجام رابطه جنسی تفسیر می‌کنند. یعنی تفسیر آنان از رفتارها و احساس‌های خود نیز غیربازنمایانه و مغشوش است.

هم‌چنین یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که نظریه خاص ذهن در سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از کودکان بیشتر از نظریه خاص ذهن سوءاستفاده‌کنندگان جنسی از زنان دچار نقص دارد. این یافته پژوهش حاضر با تحقیقات وارد، هادسون، جانسون، مارشال (۱۹۹۷) (نقل از وارد و همکاران، ۱۹۹۹) همسو است. در تفسیر نتیجه مزبور می‌توان به چندین عامل اشاره کرد: اولاً قوانین جوامع بشری رابطه جنسی را با کودکان کاملاً ممنوع کرده‌اند، اما ممنوعیت جنسی با زنان تحت شرایط ویژه‌ای (مانند عدم رضایت) بوده است. به‌طوری که می‌توان گفت بیشتر قوانین مربوط به رابطه جنسی با زنان در چارچوب آزاداندیشی ماهیت مسائل جنسی مطرح گردیده است، لذا رابطه جنسی

با کودکان جزو قلمرو ممنوعه هر جامعه بوده و شدیدترین قوانین علیه جرایم جنسی با کودکان شکل گرفته‌اند. وجود محدودیت مطلق در رابطه جنسی با کودکان احتمال دارد واقعیت آزمایشی تمایلات جنسی در کودکان را غیرممکن سازد، در نتیجه افراد متجاوز به کودکان برای تفسیر رفتارهای کودکان مجبورند صرفاً به ذهنیات محدود و غیرواقعی خود استناد کنند و قادر نیستند تمایل واقعی کودکان را به صورت عینی مورد بررسی قرار دهند به عبارت دیگر افرادی که تمایل به تجاوز به کودکان دارند، به دلیل تبعات شدید اجتماعی و قانونی در مورد رابطه با کودکان و یا حتی صحبت در مورد آن با کودکان، قادر به بررسی واقعی بودن یا نبودن ذهنیات خود در مورد رفتارهای دوستانه کودکان نیستند.

ثانیاً زنان به دلیل شرکت در موقعیت‌های پرخطر مانند پارتنی‌های شبانه، مصرف الکل و یا پوشیدن لباس‌های تحریک‌برانگیز و نحوه آرایش از استعداد بیشتری برای شکل‌گیری سوء اسناد و خطاهای شناختی در مورد رفتار آنان برخوردارند.

ثالثاً ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جوامع سنتی و مدرن هر کدا به نوبه خود در القای تحریف‌های شناختی ویژه‌ای موثر بوده‌اند. برای مثال در جوامع سنتی متغیر فرهنگی استحقاق مرد بر زن موجب بروز تحریف شناختی اولویت نیازهای جنسی مرد بر زن شده است، یا این که مردان از این حق برخوردارند که اگر زنی برخلاف میل آنها رفتار کرد، به تنبیه او پردازند و اعمال خشونت جنسی، خود نوعی تنبیه است. در جوامع مدرن نیز متغیر فرهنگی لذت‌گرایی و فردگرایی موجب القای تحریف شناختی زنان به عنوان کالای جنسی شده و شرکت در پارتنی‌های شبانه، مصرف الکل و قماربازی نیز مزید بر علت می‌شود.

باتوجه به تفاوت‌های فردی سوءاستفاده‌کنندگان جنسی، وارد و کینین (۱۹۹۱) معتقدند که برخی از سوءاستفاده‌کنندگان جنسی در استنباط و دریافت هر سه نوع وضعیت روانی مشکل دارند و برخی دیگر تنها در نوع خاصی از وضعیت‌های روانی (برای مثال باورها یا احساس‌ها) دچار مشکل هستند. هم‌چنین برخی از آنان دارای مشکلات پایدار در توانایی استنباط و دریافت صحیح احساس‌ها و باورهای دیگران هستند (گروه اول)، در حالی که

عملکرد ضعیف برخی دیگر در اثر عوامل ناپایداری از قبیل خلق پایین استرس است (گروه دوم). بنابراین نتیجه این پژوهش در حوزه بالینی این است که بهتر است مداخله‌های درمانی با نوع مشکل نظریه ذهن آنها هماهنگ گردد. به این معنا که گروه اول نیاز به دوره‌های آموزشی فشرده دیدگاه‌گیری و گروه دوم نیاز به دوره‌های آموزشی مهارت خودتنظیمی، تکنیک‌های توجه برگردانی و غیره دارند.

شایان ذکر است از آنجا که مطالعه حاضر بر روی مردان در گروه سنی مشخص و در زمان و مکان خاصی صورت گرفته است لذا باید در تعمیم نتایج احتیاط لازم به عمل آید.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۱۴
تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۰۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۰۵

منابع

- یافنده قراملکی، حسن (۱۳۹۰). بررسی نظریه ذهن در اسکیزوفرنیک‌های دارای علائم مثبت و منفی و مقایسه آن با افراد سالم، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تبریز.
- محسنی، نیک‌چهره (۱۳۸۳). نظریه‌های رشد. انتشارات پردیس، تهران.
- Baron-Choen, S., Jolliffe, T., Mortimore, C., Robertson, J. (1997). Another advanced test of Theory of Mind: evidence from very high functioning adults with Autism or Asperger syndrome. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*. 38, 813-822.
- Bodden, M.D., Dodel, R., Kalble, E. (2010). Theory of mind in Parkinsons disease and related basal ganglia disorderse: a systematic review. *Movement disorder*, 25, 13-27.
- Dahlgren, S., Dahlgren Sandberg, A., Larsson, M. (2010). Theory of mind in children with sever speech and physical impairment. *Research in developmental disabilities*, 31, 617-624.
- Devon, L., Polascheck, L., Ward, T. (2002). The implicit theorires of potential rapists what our questionnaires tell us? *Aggression and Behavior*, 7, 385-406.
- Doherty, M. (2009). *Theory of Mind: How Children Understand Others' Thoughts and Fellings*. How and New Yourk, Psychology Press.
- Fernryhough, C. (2008). Getting Vygotskian about theory of mind: Mediation, dialogue, and the development of social understanding. *Development review*. 28, 225-262.
- Gery, I. Milijkovitich, R. Berthoz, S., Soussignan, R. (2007). Empathy and recognition of facialexpression of emotion in Sex offenders. Non-sex offenders and normal controls. *Psychiatry Research*, 28, 252-262.
- Golan, O., Baron-Cohen, S. (2006). Syatemizing emphathy: teaching adults with asperger syndrome or high functioning autism or recognize complex emotions using interactive multimedia. *Development and psychology*, 18, 519-617.
- Grady, C.L., Keightley, M.L. (2002). Studies if altered of social neuroimaging. *Canadian Journal of Psychiatry*. 47(4), 327-355.

- Jolliffe, D., Farrington, D. (2003). Empathy and offending: A systematic review and meta-analysis. *Aggression and Violent Behavior*, 9, 441-476.
- McMurrin, M. McGurire, J. (2005). Social Problem Solving and offending. *Evidence. Evaluation and Evolution*, 548-590.
- Meltzoff, A. (1999). Origins of theory of mind, cognitive communication. *J. Commun. Disorder*, 32, 251-269.
- Moriguchi, Y., Ohnishi, T., Lane, R., Maeda, M., Mori, T., Nemoto, K., Matsuda, H., Komaki, G. (2006). Impaired self-awareness and theory of mind: An FMRI study of mentalizing in alexithymia. *Neuroimage*. 32, 1472-1482.
- Paal, T., Bereczke, T. (2007). Adult theory of mind, cooperation, Machiavellianism: The effect of mindreading on social relations. *Personality and Individual Differences*. 43, 541-551.
- Tealo, A., Allik, J., Nolvak, A., Valk, R., Ruus, T., Schmidt, M., Eilola, T. (2003). Mindreading ability: Beliefs and performance. *Journal of Research in Personality*, 37, 420-551.
- Realo, A., Allik, J., Nolvak, A., Valk, R., Ruus, T., Schmidt, M., Eilola, T. (2003). Mindreading ability: Beliefs and performance, *Journal of Research in Personality*. 37, 420-445.
- Russell, T.A., Schmidt, U., Doherty, L., Young, V., Tchanturia, K. (2009). Aspects of social cognition in anorexia nervosa: Affective and cognitive theory of mind. *Psychiatry Research*, 168, 181-185.
- Sandqvist, A., Ronnberg, J. (2010). Advanced theory of mind in children using augmentative and alternative communication. *Communication disorders quarterly*. 31(2), 86-97.
- Shamay-Tsoory, G., Harari, H., Aharon-Peretz, J., Levkovitz, Y. (2009). The role of the orbitofrontal cortex in affective theory of mind deficits in criminal offenders with psychopathic tendencies. *Cortex* 46, 668-677,
- Taylor, L.J., Kinderman, P. (2002). An analogue study of attention complexity theory of mind deficits and paranoia. *British Journal of Psychology*, 93, 137-140.
- Theresa, A., Gannon, T., Devon, L., Polascheck, L. (2006). Cognitive distortions in child molesters, *Clinical Psychology Review*, 1000-1019.

-
- Varker, T., Devily, G., Ward, T. & Beech, Ar. (2008). Empathy and adolescent sexual offender: A review of the literature, *Aggression and Violent Behavior*, 13, 251-260.
- Vogeley, K., Bussfeld, P., Newen, A., Hermann, S., Happer, F., Falkai, P., Maier, W., Shah, N.J., Fink, G.R. & Zilles, K. (2001). Mind Reading: Neural Mechanisms of Theory of Mind and Self-Perspective, *Neuro Image*, 14, 170-181.
- Ward, T. (2000). Sexual offenders cognitive distortion as implicit theories. *Aggression and violent behavior*, 5, 491-507.
- Ward, T. Keenan, T. & Hudson, S. (1999). Understanding cognitive, affective and intimacy deficits in sexual offenders. *Aggression and Violent Behavior*, 541-562.
- Ward, T., Gannon, T. & Keown, K. (2005). Beliefs, values, and action: the judgment model of cognitive distortions in sexual offenders: *Aggression and Violent Behavior*, 11, 323-340.
- Wang, Y. Wang, Y., Chen, S., Zhu, C. & Wqang, K. (2007). Theory of mind disability in major depression with or without Psychotic symptom: A componential view. *Psychiatry Research*, 153-161.